

آسیب‌شناسی جهانی‌شدن و جهانی‌سازی با مدل جهانی‌گرایی مهدویت

علیرضا صدرا*

چکیده

«جهانی‌گرایی»، پدیده‌ای جدی، جاری و فراگستر در عرصه کنونی و دهه‌های فراروی است. در رهیافت‌های اسلامی-قرآنی، روایی و علمی-سیاسی، سه گونه جهان‌گرایی وجود دارد: یکی جهان‌گرایی راستین و کامل هم‌مادی و هم‌معنوی و اعم از توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و اجتماعی و تعالی فرهنگی و انسانی؛ دیگری جهانی‌گرایی ناقص و نارسا و صرفاً اقتصادی و تک‌ساحتی، و سوم جهانی‌گرایی کاذب و سلطه‌جویانه و تنازعی. برخی شباهت‌های هر چند ظاهری، میان جهان‌گرایی مهدوی و جهانی‌گرایی جاری، سبب برخی مباحث مقایسه‌ای و تطبیقی در این زمینه‌ها شده است.

با جهانی‌گرایی مهدوی و نگرش و گرایش آن به قدر امکان فهم، توان و به تناسب مقتضیات حاضر و فراروی، در جهان معاصر می‌توان از فرصت‌های جهانی و جهان‌گرایی، در حد ممکن بهره برد و تهدیدهای آن‌ها را کاهش داد. ارتقای کارآمدی علمی و عملی جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان و فرهیختگان جهان به ویژه ارتباطات، تبادلات و سازماندهی متناسب آنان، با آگاهی هرچه بیش‌تر برگزیده جهانی‌گرایی مهدوی و نقادی بهینه جهانی‌گرایی‌های غیر مهدوی میسر بوده، در ارتقا و استقرار جهانی‌گرایی مهدوی و حقیقی کارساز خواهد شد.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، آسیب‌ها، مهدویت، جهانی‌گرایی، جهانی‌شدن، جهانی‌سازی.

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران.

پیش درآمد

پیشرفت و گسترش جهانی و جهش تکنولوژیک دانش فنی، ابزاری و صنعتی، به سان هر فرایند دیگر، یک سری فرصت‌های بس خطیر و سرنوشت‌ساز و یک سری تهدیدهای بس خطرناک و ویرانگر را فراهم کرده و فراروی جامعه جهانی، جهان اسلام و ایران اسلامی قرار داده است. سازندگی و کسب مادی، از سویی، و تخریب، قدرت تهدیدکنندگی و سلب آرامش معنوی و روحی از دیگر سوی، از ارکان اصلی این فرصت‌ها و تهدیدها است. به ویژه تحوّل شگفت‌انگیز، انفجاری و انقلاب‌گونه در بخش فن‌آوری و شبکه جهانی ارتباطات، اطلاعات، تبادلات و از جمله تولید، ترابری و حمل و نقل و سهولت، سرعت و شدت بسیار فزاینده و بلکه دم افزون این جریان‌های جهانی، زمینه همگرایی جهانی را به مراتب بیش از پیش فراهم ساخته است. همین جریان همگرایی جهانی نیز به سان هر پدیده و جریان سیاسی و اجتماعی دیگر، باز فرصت‌ها و تهدیدهای خاص خود را در بر دارد و پیامدهای خود را در پی خواهد داشت؛ اما مسلم است که این شرایط، جهانی‌گرایی را از آرزو، به امیدی دست یافتنی؛ از گزینه و فضیلت، به گزیر و ضرورت اجتناب ناپذیر، و از آرمان دورنما، به عمل و تحقق، سخت نزدیک و نزدیک‌تر ساخته است و می‌سازد؛ فرایندی که تمام بخش‌ها، ارکان و نهادها و حتی نیروهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جهانی، ملت‌ها و دولت‌ها را تحت تأثیر و حتی تحت شعاع خود قرار داده و بیش از پیش قرار خواهد داد. خیلی غیر طبیعی نیست که برداشت‌ها و انگیزه‌های متفاوت و گاه متعارضی در پیگیری پرسه و بلکه پروژه و طرح جهانی‌گرایی، شکل گرفته و در جریان باشند؛ نگرش‌ها و گرایش‌هایی در طیف و پیوستاری از اشکال گوناگون همگرایی جهانی؛ از همکاری جهانی، در حدّ میانه و وسط، همبستگی جهانی تا سر حدّ پیوستگی جهانی در طرف مثبت و حتی وابستگی جهانی تا حدّ ادغام و همگونگی و یک شکل‌سازی جهانی، در طرف دیگر و منفی.

همبستگی جهانی همکاری جهانی وابستگی جهانی

پیوستگی جهانی ← ————— → ادغام جهانی

همگرایی جهانی

بر این اساس، مهم‌ترین راهبردهای جهانی‌گرایی سه گونه است:

۱. جهان‌گرایی حقیقی و همه‌جانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی؛
 ۲. جهان‌گرایی ناقص و نارسا و ناتمام یا تک‌ساحتی و صرفاً اقتصادی و در نتیجه ظاهری و پنداری؛
 ۳. جهان‌گرایی متناقض، ناسازوار، تنازعی و در نتیجه کاذب، توهمی و دروغین*.
- بدین ترتیب، اکنون سه گونه جهانی‌گرایی در قالب سه راهبرد جهانی، به گونه آمیخته درهم و ناموزون در جریان است:**

یکم. راهبرد جهانی‌گرایی حقیقی (Globalism) که ماهیتی فرهنگی دارد و خواهان و در پی همبستگی جهانی است. این جریان بیش‌تر مطلوب فرهیختگان جهان، و معتقد و مدعای جامعه مدنی جهانی یا مدینه عظمی در اصطلاح فارابی و حتی جمهوری جهانی است. طرح گفت‌وگوی تمدن‌های ایران، استقبال و اتفاق آرای جهانی به‌ویژه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مبین مقبولیت و مشروعیت زمینه‌ای و فراگیر آن است.

این راهبرد صرفاً انتخاب نبوده؛ بلکه نیاز جدی و جهانی است؛ هر چند ممکن است تا حدود بسیاری این راهبرد؛ آرمانی، ایده‌آلیستی، خیال‌پردازانه و دست‌نیافتنی به نظر آید یا این‌گونه گفته و تبلیغ شود. صد البته، این گرایش، ضمن این‌که دشمنان جدی داشته و دشمنی‌های لجوجانه؛ هم قدرت‌طلبان جهانی و هم منفعت‌طلبان بین‌المللی و به‌ویژه

* آن‌چه مسلم است، مهم‌ترین جریانات سه‌گانه جهانی‌گرایی، جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، در اندیشه‌ها و انگیزه‌های انسانی، اجتماعی و سیاسی ملت‌ها، دولت‌ها و قدرت‌ها ریشه داشته، از نگرش‌ها و گرایش‌های آنان سرچشمه می‌گیرد. توسعه سخت‌افزاری از جمله پیشرفت‌های جهش‌وار دانش فنی و به‌ویژه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، با همه اهمیت و طول و عرض و گستره و نیز ارزش و اثرگذاری، در این جریان‌ها و راهبردها، نقش ابزاری و وسیله‌ای داشته، نقش تسهیل‌کنندگی، تسریع‌کنندگی و تشدید یا افزایش یا برعکس را ایفا می‌کند و علت فاعلی، موجه و محرک اصلی آن‌ها، همان نگرش‌ها و گرایش‌های سیاسی هستند.

** سه‌گونه‌ی جریان‌های جهانی‌گرایی و راهبردها و رهیافت‌های سه‌گانه آن، ناشی از سه‌گانگی جهات عملی و سیاسی انسان‌ها، گروه‌های انسانی و جوامع بشری است. انسان یگانه‌جاننداری بوده که قادر است جهت‌گیری‌های سه‌سویه داشته باشد؛ یعنی یکی جهت‌گیری طبیعی، مادی یا تک‌ساحتی و اقتصادی صرف و صرفاً توسعه‌ای و عمرانی داشته یا جهت‌گیری انسانی، اخلاقی، الهی و متعالی می‌تواند داشته باشد یا در مقابل، دارای جهت‌گیری تنازعی، سلطه‌گرایانه و به اصطلاح پست‌تر از حیوان یعنی شیطانی و شریرانه باشد.

صهیونیسم جهانی را به صورت برآمد این دو جریان، رو در روی خویش دارد، تشکّل و سازماندهی شبکه‌ای جهانی طرفداران آن که کم هم نیستند می‌تواند احتمال و درصد تأثیرگذاری و توفیقات آن را افزایش دهد. تقویت و قوام گرفتن گروه‌های روشنفکری و فرهیختگی، نهادهای مدنی و از جمله نیروها و نهادهای دینی از قبیل «NGO» گروه‌های اجتماعی و سازماندهی شبکه‌ای و جهانی آن‌ها می‌تواند بستر ساز این جریان و تحقق‌بخش هر چه بیش‌تر این راهبرد باشد. این گرایش به سبب تأکید بر ساحت معنوی، تمدنی و فرهنگی و فرهیختگی، افزون بر ساحت اقتصادی و توسعه مادی، بیش‌تر «جهانی‌گرایی حقیقی» به شمار می‌رود. می‌توان حقیقت جهانی‌گرایی را «جهان‌داری» و جهان‌سازی حقیقی دانست.

دوم. راهبرد جهانی‌شدن (Globality) که ماهیتی اقتصادی دارد و خواهان و در پی همکاری جهانی است. این جریان، بیش‌تر مطلوب اقتصادیان و فن سالاران و سرمایه‌داران جهانی، و معتقد و مدعی جامعه اقتصادی جهانی یا بازار جهانی آزاد سرمایه، کار و کالا و احیاناً نیروهای کار است. جهانی‌شدن، آمیخته‌ای از جریان‌های غیر ارادی و ارادی بوده و خواهان گونه‌ای تقسیم کار و منابع جهانی، نظام کار جهانی و تبادلات آزاد جهانی بر اساس مزیت‌های نسبی مناطق است. این گرایش به سبب تأکید صرف بر ساحت مادی، اقتصادی و توسعه‌ای و نیز به مناسبت توسعه ابزاری و عدم اهتمام به ساحت معنوی، در نتیجه جزءنگر و ظاهرگرا و بنابراین جهان‌گرایی پنداری یا ظنی شمرده می‌شود. انریکو داسال، آن را بازاری‌سازی و انحصار گرایی بازار نام برده که جریانی کاملاً غیر اخلاقی، غیر انسانی و ارزش‌زدایی شده، بلکه ضد ارزشی و ضد اخلاقی است.

سوم. راهبرد جهانی‌سازی (Globalization) امریکایی که ماهیتی سیاسی دارد و خواهان و در پی سلطه، انحصار گرایی و یگانه‌سازی و وابستگی جهانی است؛ جهانی وابسته و وابستگی جهانی به کانون قدرت جهانی یعنی امریکا در جایگاه رأس هرم قدرت. این جریان بیش‌تر مطلوب قدرت‌گرایان و تنازع‌گران در صحنه جهانی و در عرصه بین‌المللی و در رأس آن‌ها امریکا و نومحافظه کاران حاکم بر آن است.

اینان معتقد و مدعی جامعه جهانی تک‌قطبی و سرمایه‌سالارانه با سلسله مراتب قدرت و سلطه‌اند. این گرایش به همین سبب و به سبب استفاده از شیوه‌ها و ابزار نو تحمیق علمی

و فرهنگی، تطمیع اقتصادی و تکنولوژیکی به اشکال نو و تحت عناوین کمک‌ها، همکاری‌های مشترک و تبادلات، به ویژه تهدید و ارعاب نظامی و امنیتی و براندازی یا اشغال‌گری و تجزیه کشورهای و دولت‌ها، تنازعی و توهمی به شمار می‌آید؛ به ویژه که از حیث نظری نیز به گونه‌ای سوفیسم، نیهیلیسم و نسبت‌انگاری نیازمند بوده، آن را ترویج می‌دهد؛*

به همین سبب‌ها، برخی همانند والراشتاین، دان دریج و لستی، با نگاهی بدبینانه یا پسی میستی، جهانی سازی را اقتصادی سازی جهان و استثمارگری - استثمار شونده‌گی جهانی می‌دانند؛ چرا که نظریه آنان به جوهره هژمونیک، تنازعی و هابسی - داروینستی این فرایرد معطوف شده است؛ فرایندی که در حقیقت، داروینسم جهانی را ترویج می‌کند. نظریه "سیاست قدرت" مورگنتا، نظریه و بلکه راهبرد و دکترین تنازع تمدن‌های هانتینگتون، سیاست جنگ صلیبی‌های همان نومحافظه‌کاران امریکایی، اشغال، یکه‌تازی، یک جانبه‌گرایی، میلیتاریسم، نظامی‌گری آن‌ها تحت عنوان مبارزه با تروریسم، از جمله آثار و عوامل تحقق آن است. کتاب و در حقیقت نظریه و راهبرد ثروت ملل آدام اسمیت، فیلسوف و اقتصاد سیاسی‌دان قرن نوزدهم، چه بسا زیرساخت نظری این راهبرد و رهیافت آن باشد. پولانی، اسکات‌گری، هوتن و فرکلا نیز از این فرایرد جهانی سازی، غربی‌سازی، امریکایی‌سازی، و گاه نئومپریالیسم در قالب نظام نو تک قطبی دهکده جهانی یاد کرده اند.**

جهانی‌گرایی مهدوی؛ حدّ اعلا، کامل و کارآمد جهانی‌گرایی حقیقی و یقینی، و جهانی‌گرایی (حقیقی) جاری؛ حدّ نسبی، ممکن و میسر جهان‌گرایی مهدوی است. جهان‌گرایی جاری، بدین ترتیب، به صورت انتظار فعال، سازنده و پویای انقلابی، چه بسا قادر باشد زمینه ساز گرایش هر چه بیش‌تر بدان بوده، زمینه‌های تحقق آن را تسهیل کند.

بر این اساس، تبیین هر چه بهتر جهانی‌گرایی مهدوی، هم در روشن سازی هر چه

* نگرش‌ها و گرایش‌های سه گانه طبیعی، انسانی و شیطانی، به ترتیب تک ساحتی اقتصادی، دو ساحتی متعادل و متعالی، و سوم دو ساحتی تنازعی و تنازلی یا قهقرایی هستند.

** نگرش‌ها و گرایش‌های سه گانه طبیعی، انسانی و تنازعی را به ترتیب، یکی پنداری، دیگری حقیقی و یقینی و سوم توهمی می‌خوانند. پنداری یا ظنی و گمانی و نیز حدسی، به معنای جزء نگری و ظاهر گرایی است. همانند این که افرادی ثروت را عین سعادت بینگارند و حال این که دارایی و کفاف، ابزار، مقدمه، لازمه و حتی به یک اعتبار، جزء سعادت است، نه عین یا غایت آن یا این که افرادی، توسعه اقتصادی را به تنهایی کافی بدانند. نظریه اینان ممکن است نادرست نباشد؛ ولی کامل و رسا نیز نیست. نگرش و گرایش توهمی، کاذب و دروغین بوده غلط و اشتباه است.

بیش‌تر جهانی‌گرایی جاری و فراروی، کمک شایان می‌کند، چنان‌که در روشنگری نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای دو جریان اثربخش است. و در مواجهه نقدانه و فعال؛ هم با فرایند جهانی شدن اقتصادی و هم با فرایند جهانی سازی امریکایی، راهنما و راهگشا خواهد بود. بررسی آسیب شناسانه جهانی‌گرایی مهدویت، به ویژه آن‌که اساساً هم جهانی‌گرایی پنداری یعنی جهانی شدن و هم جهانی‌گرایی کاذب و تنازعی یعنی جهانی سازی، به سبب غیر و ضد حقیقی و یقینی و غیر و حتی ضد علمی واقعی بودن آن‌ها، مهم‌ترین آسیب‌های سیاسی و اجتماعی مهدویت به شمار می‌روند؛ بنابراین آسیب شناسی آن، اهمیت و ضرورت دارد.* بر این اساس، تبیین آسیب شناسانه مهدویت به ویژه با عنایت به شباهت ظاهری جهان‌گرایی مهدوی، جهانی شدن و جهانی سازی، در زمینه به ظاهر جهانی شمولی این سه جریان و راهبرد، صورت می‌پذیرد. در این رهیافت، جهان‌گرایی مهدوی، جهانی شدن اقتصادی و جهانی سازی امریکایی به ترتیب؛ جهان‌گرایی حقیقی، شبه جهانی‌گرایی و ضد جهانی‌گرایی شمرده می‌شوند.** بر این اساس، یکی از مهم‌ترین شباهت‌های مهدویت و فراشد جهان‌گرایی مهدوی، با فرایند جهانی شدن و فرایند جهانی سازی، همان ویژگی جهان‌گستری و جهانشمولی آنها است. توسعه فن‌آوری و شبکه جهانی ارتباطات و اطلاع‌رسانی نیز همان‌گونه که اشاره شد، به این شبهه دامن زده است؛ اما به طور قطع هم توسعه فن‌آوری مهدوی، تخریبی نیست و به اصطلاح سبز است، و هم توزیع جهانی آن، غیر عادلانه، تبعیض‌آمیز و ضد انسانی نخواهد بود. همچنین جهان‌گرایی مهدوی همان‌گونه که اشاره شد، جهان‌گستری و جهانشمولی حقیقی، یقینی

* به منظور بررسی به ویژه نقد و ارزش‌سنجی پدیده‌های از جمله سیاسی، همانند جهانی‌گرایی، نیازمند طرح تیپ، نمونه اعلا و معیار، به سان خط‌کش و سیستم متریک است. جهان‌گرایی مهدویت، در زمینه جهان‌گرایی سنجی کنونی و جاری، از این حیث، کار بست دارد. در عین حال، جهان‌گرایی مهدوی، نمونه‌ای هر چند عملی بوده؛ اما آرمانی و (مربوط به) آینده است. برای شناخت خود این راهبرد، به معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خاص خویش نیاز است. ضمن این‌که تطابق و بررسی مقایسه‌ای جهانی‌گرایی جاری که فرایندی عینی و عملی این زمانی است، در مقایسه با جهانی‌گرایی مهدوی و از جمله در آسیب‌شناسی سیاسی و اجتماعی آن، باز هم به روش علمی و شیوه‌ها یا تکنیک‌ها و ابزار علمی خاص نیاز دارد.

** نگرش‌های حقیقی، پنداری و توهمی به ترتیب؛ فلسفی سیاسی، تفلسفی سیاسی یا پندار بافی سیاسی، و سوم سوفیسم یا سفسطه و مغالطه‌کاری سیاسی نامیده می‌شوند.

و جهان دارانه، و جهانی سازی حقیقی است. به تعبیر حکیم فردوسی؛ «جهان گردد آباد با داد او» و نیز

وزان پس جهان یکسر آباد کرد همه روی گیتی پر از داد کرد (فردوسی)

همگرایی و همبستگی تا حد پیوستگی جهانی و جهان گستری، همچنین جهانشمولی در شکل جهان‌داری بر اساس قسط و عدل، یعنی داد و دهش، ارکان و شاخصه‌های اصلی جهان‌گرایی مهدوی و حقیقی شمرده می‌شوند؛ در نتیجه ضد سلطه و ستم و استثمار و استکبار است؛ بنابراین، جهان‌گرایی، نه جهان گستری، جهانشمولی و جهان‌گرایی پنداری، تک‌ساحتی و صرفاً اقتصادی و شبه جهان‌گرایی راهبرد جهانی شدن بوده و نه جهان‌گیری و جهان‌گرایی توهمی، تنازعی و جهان‌خوارانه و در حقیقت، ضد جهانی راهبرد جهانی سازی است. مواردی که بر اساس مدل و نمونه جهان‌گرایی مهدویت و در آسیب‌شناسی سیاسی و اجتماعی آن، خود، مهم‌ترین آسیب‌های دوگانه مهدویت نگری و مهدویت‌گرایی جهانی و جهان‌گرایی مهدوی و غیر و ضد آن به شمار می‌روند.*

درآمد

اول. آسیب‌شناسی جهانی پیشامهدوی در فراگفتمان اسلامی

در فراگفتمان اسلامی، دین اسلام، عبارت از مکتب مدنی، مردمی و متکامل نهایی الهی است. دینی مدنی که از آدم علیه السلام و با خلافت و مدنیت او آغاز شده و تا نظریه و نظام علمی و عملی نمونه‌های اعلای نبوی صلی الله علیه و آله، در صدر اسلام فرا آمده است. این مکتب و فرایند مدنی، بر این اساس و در این جهت تا دولت و جامعه مدنی و سیاسی کامل و جهانی مهدوی -

* حدّ این بحث، طرح جریان‌ها و راهبردهای سه‌گانه جهانی‌گرایی معاصر، مهم‌ترین ویژگی‌ها و مبانی عمده آن‌ها است. تحلیل راهبردی پدیده جهانی شدن، اعم از منشأهای نظری، بنیادهای عملی، مبانی بینشی و ساز و کارها و سیاست‌های عینی و اجرایی آن‌ها، خود مجال مستقل و مستوفای دیگری را می‌طلبد. به تعبیری دیگر، در این مقاله، بیش‌تر به ماهیت یا چیستی، مفهوم و حدود جهانی‌گرایی و انواع آن‌ها با نگاه فلسفی سیاسی می‌پردازیم. چرایی یا هستی‌شناسی و چگونگی یا سیر و ساختار عینی و عملی خارجی آن و نیز ساز و کارها، سیاست‌ها و آثار اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و حتی امنیتی و عدالتی آن، موضوع مباحث دیگری است.

عجل الله تعالی فرجه الشریف - فراخواهد رفت؛ گرچه به سبب انحراف و تحریفی که در اعتقاد شیعه از جریان سقیفه در صدر اسلام پیش آمده، این فرارفت دچار تنش شده، با فراز و فرودها و کژ و راست‌تابی‌هایی پیش می‌رود. فرایندی که با تلاش و تدابیر انسانی از سویی و با جلب توفیق الاهی از دیگر سو، قابل تحقق و دست یافتنی یا آمدنی و بلکه آوردنی است. اکنون جامعه بشری در مرحله‌ای از این فرایند تاریخی و جهانی قرار دارد.

آسیب‌ها و آسیب شناسی جهانی، و فراشد جهانی گرایی، فرایند جهانی شدن و فرایند جهانی سازی نیز به مراحل فرود و کژتابی‌های سیر و ساختار این فرایند مربوط است. در این سیر و ساختار، فرایند تک ساحتی جهانی شدن اقتصادی و فرایند هژمونیک تنازعی و سلطه گرایانه اقتصادی سازی جهان و امریکایی سازی آن، از مهم‌ترین آسیب‌های سیاسی و اجتماعی جهانی و جهانی گرایی راستین یعنی فراشد مهدویت به شمار می‌روند. به تعبیری دیگر، در گفتمان اسلامی، جهانی شدن اقتصادی لازم است؛ اما تک ساحتی و نارسا است؛ چنان که در این گفتمان، جهانی سازی سلطه گرانه و استکباری از نوع امریکایی و حتی اقتصادی سازی جهان از نوع سیطره تفکر و رویکرد انحصاری و تنازعی بازاری، خطرناک و زیانبار است؛ در نتیجه، هر دوی این رهیافت‌ها، از آسیب‌های سیاسی و اجتماعی هدایت و مهدویت ورهیافت جهان‌گرایی آن تلقی می‌شوند؛ چنان که توسعه فن‌آوری و عمران، اساسی و مثبت بوده، اما در حد ضرورت و سازندگی، نه به قیمت تخریب و تهدیدهای روزافزون از جمله نابودی محیط زیست طبیعی و تزلزل محیط زیست فرهنگی انسان، آن گونه که امروزه و به صورتی فزاینده در جریان است.

گفتمان اسلامی، که در حقیقت در بر دارنده نظام نظریه علمی و عملی راهبردی مهدویت، و به صورت بنیادین، فراگیر یعنی هم شامل و هم مانع و نیز به شکلی سازمند و هدفمند، به طرح و تبیین تاریخی و ساختار جهانی مهدویت پرداخته است، هم یک بعدی و تک ساحتی صرفاً مادی و اقتصادی بودن فرایند جهانی شدن را بر نمی‌تابد و به سبب غفلت این فرایند از ساحت معنوی حیات و هستی انسانی، تحت عناوین ظلم به نفس و به بعد متعالی و حقیقی انسان و زندگی اجتماعی و سیاسی، به صورت کامل تأیید نمی‌کند و آن را گمراهی، فساد یا تباهی و در نتیجه تنگنایی در زندگی، و سرانجام آسیب سیاسی و اجتماعی جوامع و جهان می‌داند؛ بدین سبب، هرگونه دغدغه و به ویژه داعیه جهانی در

این زمینه را مانع سیر تحقق درست و بهینه مهدویت و جهان گرایی حقیقی، کامل و کارآمد قلمداد می‌سازد؛ چنان که همچنین فرابرد تنازعی، هژمونیک و سلطه طلبانه استکباری از نوع غربی سازی و امریکایی سازی از جمله با سیاست‌ها و حرکات یک جانبه گرایانه و یکه تازانه نو محافظه کارانه، به گونه جاری یعنی امریکایی را نیز آسیب دانسته، بر نمی‌تابد؛ چرا که آن را عامل سیر قهقرایی و واپس‌گرایی مهدویت حقیقی و یقینی تلقی می‌کند؛ زیرا این فرابرد، همان عامل تحریف و انحراف و سبب بازدارندگی از سیر حرکت متعادل و متعالی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهانی شمرده می‌شود.

فرا گفتمان اسلامی، به یک اعتبار به ترتیب از گفتمان‌ها و رهیافت‌های قرآنی، روایی و علمی به معنای اعم تشکیل شده است؛ چنان که فراگفتمان اسلامی به اعتباری دیگر از اول، گفتمان و رهیافت عقلانی، فلسفی و عقلانی، و دوم، گفتمان رهیافت و حیانی، دینی و شرعی و سوم، گفتمان و رهیافت علمانی یا علمی تجربی و عرفی سیاسی فراهم آمده است. رهیافت و گفتمان قرآنی، مبانی مهدویت و آسیب‌های آن را (گرچه به صورت اجمالی و کلی)، پیش‌بینی و حتی پیش‌گویی می‌کند. رهیافت و گفتمان روایی، یا سنت معصوم^{علیه السلام}، تفسیر، تفصیل و تطبیق عینی و عملی مبانی و اصول مهدویت و آسیب‌های آن را بر عهده داشته و به صورت کامل و فراگیری به انجام رسانده است و می‌رساند.

رهیافت و گفتمان علمی، اعم از گفتمان‌ها یا خُرده گفتمان‌های فلسفی سیاسی، علمی تجربی سیاسی و از جمله ریز گفتمان روان‌کاوی، روان‌شناسی و انسان‌شناسانه سیاسی و خرده گفتمان جامعه‌شناسی سیاسی و حتی گفتمان عملی و فنی یا سیاست گذاری عمومی و حتی ریز گفتمان فلسفی تاریخ سیاسی با تاریخ‌نگری و تاریخ‌گرایی سیاسی است. گرایش علمی سیاسی بدین ترتیب به توضیح و تا حدودی و به صورت احتمالی، به پیش‌بینی اصول، ساز و کارها و راهبردهای مهدویت پرداخته، آسیب‌های مهدوی، در دوران غیبت و انتظار را، کشف و نمودار ساخته، به کار می‌گیرد.

رهیافت و گفتمان عقلی، فلسفی و استدلالی از جمله کشفی و ذوقی سیاسی، اصل ضرورت، غایت و علت غایی هدایت و مهدویت و نیز مبادی و آثار آن را به صورت فطری، ولی کاملاً اجمالی و کلی در می‌یابد؛ چنان که این گفتمان در تبیین داشته‌ها، دریافته‌ها و ادراکات عقلی و فطری، نیازمند تفسیر، تفصیل و تطبیق و حیانی، شرعی و دینی

بوده و در نمودن راهبردها و ساز و کارهای عملی و عینی نیز، نیازمند گفتمان علمی و عملی است. بر این سیاق، مهم‌ترین هنجارهای سیاسی و اجتماعی، همانند اصل ضرورت و ایجاد امنیت، عدالت، نظم، آزادی، ثبات، امانت، وحدت و همگرایی و مانند این‌ها تا سر حد جهانی‌گرایی را عقل به صورت فطری و در قالب اولیات و ضروریات عقلی درک، و فلسفه سیاسی و حکمت مدنی آن را طرح و تنظیم می‌کند؛ چنان که به تعبیر حضرت امام خمینی^ع این هنجارها را عقل و حکمت سیاسی به صورت اصیل در می‌یابد؛ چنان که عقل و حکمت سیاسی نیز مهم‌ترین نابهنجاری‌ها یا آسیب‌های مربوطه را به صورت تبعی درک می‌کند و ضرورت رفع آن‌ها را بایسته و شایسته دانسته، می‌طلبد. همچون درک عدم ضرورت و بلکه ضرورت عدم نابهنجاری‌ها و آسیب‌هایی به سان ناامنی، بی‌ثباتی، ناپایداری، بی‌عدالتی، بی‌نظمی و آناشسی یا نظام‌های نامتعادل و نامتعالی یعنی تک‌ساحتی و تنازع خیز، جبر و عدم آزادی، که فطری تبعی هستند. گفتمان دینی، شرعی و وحیانی، به یک اعتبار، به تبیین حدود، مفاهیم و تعاریف این هنجارها و نابهنجاری‌ها یا آسیب‌ها و روابط، مؤثرات، آثار و نیز زمینه‌های ظهور و بروز، شدت یا ضعف، سرعت یا کندی و افزایش یا کاهش هر یک از این‌ها، گروه‌های آن‌ها و نظام کلی هنجارها و نیز نابهنجاری‌ها و آسیب‌ها، علل و عوامل و نیز آثار و تبعات آن‌ها و پیش‌بینی‌ها، پیشگویی‌ها و پیشگیری‌های آن می‌پردازد. همچنان که آدمی با داشته‌های فطری، عقلی و خدادادی، داده‌های اطلاعاتی و حیانی، اعم از قرآنی و روایی و با کمک تجارب علمی و علم تجربی سیاسی و تاریخی خویش، از نابهنجاری‌ها و آسیب روی برتافته، به نظام هنجارهای هدایت و مهدویت می‌گراید.

دوم. آسیب شناسی و آسیب‌های جهانی‌گرایی غیر و ضد مهدویت

آسیب شناسی و آسیب‌های جهان‌گرایی‌های غیر و ضد مهدویت یا جهانی شدن اقتصادی و جهانی سازی نوع امریکایی، در گفتمان اسلامی، اعم از رهیافت‌های قرآنی، روایی و علمی سیاسی به ترتیب ذیل هستند:

أ. آسیب شناسی و آسیب‌های جهانی پیشامهدوی در رهیافت قرآنی

در فراگفتمان اسلامی که اسلام، مکتب مدنی و نهایی الهی بوده، در بردارنده نظریه و نظام سیاسی کامل و کارآمد، انسانی و متعالی، جهانی و تاریخی است؛ نظریه و نظامی متکامل که از آدم ﷺ و در برد خانوادگی آغاز و تا پیامبر خاتم ﷺ و در برد امت اسلامی فراگسترده شده است؛ فرایندی که تا ظهور و حاکمیت امام خاتم - عجل الله تعالی فرجه - و جهان گستری آن پیش خواهد رفت. در این گفتمان، قرآن، کتاب مکتب مدنی اسلام به شمار می‌رود. قرآن از همان ابتدا، یعنی در سوره مبارکه حمد که با عنوان فاتحة الكتاب، ام کتاب و اساس الكتاب و حتی سبع المثانی، به مثابه پیش درآمد و مدخل قرآن، گزیده و فهرست قرآن، اساس و چهارچوبه موضوعی قرآن و نقاط عطف و سیر و تحولات محتوایی قرآن و تکامل تاریخی و جهانی تمدن و فرهنگ بشر تا سر حد نهایی، شمرده می‌شود، زیر ساخت راهبردی هدایت و مهدویت راستین را نشان داده است؛ یعنی صراط مستقیم راه راست، میانه، متعادل و متعالی یعنی تعالی بخش را بر نموده است. بر این اساس، یکی، «مغضوبین»، ستمگران و زورگویان را که نماد غضب و غضب، یا خشم و خشونت حیوانی و درندگی طبیعت غریزی بشر، و افراد بشر شمرده می‌شوند، رو در رو و ضد هدایت، راستی و استقامت معرفی می‌کند. موضوعی که در تعبیر فیلسوفان و دانشمندان اسلامی از آن به بدراهی و بیراهی یا مدن و سیاست فاسقه تعبیر می‌شود. دیگری، «ضالین» که نماد گمراهی، گمگشتگی و کژتابی یا کج‌راهی غیر فاضله بوده و سیر و سیاست غیر راستین یا غیر مستقیم و غیر مهدویت گرایی به شمار می‌روند.

بدین ترتیب، هر دو نماد، نمودار و نتیجه جهل و جهالت اعم از نادانی و ناآگاهی و ناشی از به خود واگذاشتگی یا احساس آن هستند. مهم‌ترین مواردی که از آن‌ها تعبیر به مدن، سیاست، اجتماعات مدنی دولت و نهادهای مدنی جاهله و نادان، غیر علمی و فاقد مبانی نظریه و نظام سیاسی استوار، سازوار و به سامان شده است (فارابی، ۱۳۵۸: ص ۱۶۸ - ۲۰۷). براساس این مبنا و با این مدل، در رهیافت قرآنی، هم فرآیند جهانی شدن تک ساحتی مادی و ابزاری و صرفاً اقتصادی، جهانی نگری و جهانی گرایی ناقص و نارسا یا کژتاب و ضالّه یعنی گمراه به شمار می‌رود و هم فرایند جهانی سازی تک قطبی، یک جانبه گرا و یگانه‌تازانه استکباری و سیطره طلبانه جهانی صرفاً امریکایی و میلیتاریستی

نومحافظه‌کارانه و نئولیبرالی، جهانی‌نگری و جهانی‌گرایی ناسازوار و تنازعی و تنازع‌خیز بوده و بدره و بیراهه یا فاسقه یعنی ضد مهدویت راستین، ضد‌الاهی و ضد اسلامی و در نتیجه قهقرایی است. صهیونیسم، نئوصهیونیسم و صهیونیسم مسیحی نیز در این جهت قلمداد می‌شوند. (ر.ک: هال سل، ۱۳۷۷).

قرآن در ادامه و طی سوره بقره، یکی فساد یعنی تباهی و دیگری خونریزی یعنی سلطه‌گری و جنگ افروزی در زمین را از زبان ملائکه در محضر الاهی که خلافت آدم علیه السلام بر زمین را اعلام فرمود، به صورت دو نابهنجاری اصلی در آینده بشر عرضه می‌دارند. پیش‌بینی‌هایی که از طبیعت مادی انسان ناشی و نتیجه می‌شوند. خداوند با توجه به ظرفیت والای انسان و چه بسا با عنایت به مرحله مهدوی و انسانیت انسان، ضمن اعلام «انی اعلم مالاتعلمون» (بقره ۲: ۳۰)، عملاً حق و برتری جهات برتر انسان و جامعه و جهان انسانی را در مقابل این نابهنجاری‌های دوگانه مطرح می‌سازد؛ نابهنجاری‌هایی که به سان ارکان باطل، گذرا است، و خداوند، ناپایداری و مغلوبیت آن‌ها را در مقابل حق، هدایت، صراط مستقیم پیش‌بینی، و شکست نهایی‌شان را در برابر راه راستین، تسبیح و تقدیس الاهی پیش‌گویی می‌کند.

ذات الاهی با این روش، این جریان‌ها و سرنوشت نهایی آن‌ها را بدین ترتیب، یعنی آن‌گونه که در فراشد مهدویت و نظریه و نظام راهبردی سیاسی و مدنی مهدوی موضوعیت دارد، گوشزد کرده، مورد تأکید قرار می‌دهد. قرآن در ادامه و طی سایر آیات و سوره‌ها، ضمن تبیین و تفصیل این راهبردهای سه‌گانه هدایت، بدراهی و کژراهی یا گمراهی، عموماً و به ویژه در سطح جهانی، هدایت و مهدویت را نعمت و سبب رستگاری و افزایش خیر و آسودگی و افسردگی و اضطراب می‌داند که به زندگی و معیشت ضیق یا تنگی و احساس تنگنایی می‌انجامد. دیگری نیز مسبب ایجاد و گسترش خوف و ترس و وحشت، یعنی اضطراب و ترور و نیز بی‌ثباتی و ناامنی، جنگ، تبعیض و سرانجام اختناق و استبداد تا سر حد جهانی قلمداد می‌شود؛ جریانی که ره سوی انحطاط برده و عاقبت به زندگی و معیشت ضنک یا تنازع، تسلط، تعارض و هژمونی در زندگی، روابط و ساختارهای داخلی،

ملی، خارجی، بین‌المللی و جهانی و در تمام بخش‌های اقتصادی سیاسی و فرهنگی می‌انجامد (بقره (۲): ۳۸).*

قرآن در همین جهت، جریان یهودیت را رو در روی جریان اسلام، اسلامیت و اسلامی، به صورت دو جریان اصلی و عمده ستیزش سازش ناپذیر تاریخی و جهانی به میان می‌آورد.* دو نزاعی که خواه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، چه به صورت آشکار یا پنهانی و حتی سرّی، خواه به شکل اقتصادی یا فرهنگی و سیاسی و حتی نظامی، تا ظهور و پیروزی انقلاب نهایی اسلام و شکست واپسین و ریشه‌ای یهودیت، همواره ادامه و کمابیش با شدت و ضعف جریان داشته است و خواهد داشت؛ همان‌گونه که می‌توان به راحتی نشان داد به ویژه، صهیونیسم سیاسی پشتوانه فرابرد جهانی سازی یگانه‌سازی امریکایی و حتی به سان پیشینه فرایند جهانی شدن اقتصادی و بازاری شمرده می‌شود؛ یعنی مجامع صهیونیسم جهانی، غالباً یا نوعاً در عقبه؛ هم جهانی سازی سرمایه سالاری و سرمایه‌سالاری سازی جهانی، هم عقبه جهانی شدن سرمایه داری و سرمایه داری جهانی، پنهان بوده، آن‌ها را خط داده و بدین‌سان فعالیت می‌کند (ر.ک: هال سل، ۱۳۷۷). آیا ممکن است دجال و خر و آونگ آن و نیز مدفوع آن که در روایات آخرزمان آمده‌اند، همین نظریه‌ها، نظام‌ها و دولت‌های پر زرق و برق مادی و ابزارهای گوناگون آن‌ها از جمله فن‌آوری‌های ارتباطی، اطلاعاتی و تبدلی و مانند این‌ها باشند؟ مواردی که به تعبیر فارابی، به سان پارچه و پیراهنی رنگین، افکار و قلوب ظاهر بینان، عوام و خواص را هر یک به نحوی و از طریقی به خود جذب و جلب کرده و مفتون و پیرو خود می‌سازد (فارابی، ۱۳۵۸: ص ۱۹۲).

* در این زمینه آن‌جا که خداوند می‌فرماید: "ومن تبع هدای فلاحوف علیهم و لاهم یحزنون"، مفهوم مخالف آن برعکس به معنای خوف و حزن غیره‌ادین و غیر مهتدین است.

* آیات ۴۰ تا ۱۲۳ سوره بقره در مورد برگزیدن و مردودیت قوم یهود، از آیات ۱۲۳ تا ۱۳۳ جریان امتحان، انتخاب و امامت حضرت ابراهیم و چرخش جهانی دین و دین جهانی اسلام ابراهیمی و از آیات ۱۳۴ و ۱۴۲ تا آخر سوره بقره در مورد امت مرحومه اسلام، با بیان و تکرار "تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ" ۱۳۴ و ۱۴۱ و با خطاب به مسلمانان در جایگاه امت وسط و میانه رو و تاکید بر این که "وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا" ۱۴۳ که مبین میانه روی، جهانی‌گرایی و نمونه‌پردازی اعلاجهانی بوده و به تعبیری دیگر، روشنگر ارکان جهانی‌گرایی میانه‌روانه و نمونه جهانی اسلام و امت اسلامی است.

این می‌تواند خود یک فرضیه بسیار مطرح در این زمینه باشد. آیا ممکن است به صحنه آمدن و حاکمیت هر صاحب ادعایی، همان‌گونه که در روایت آمده است، همان مطرح شدن هر اسم و ایسم و مکتبی از جمله سوسیالیسم، کمونیسم و مارکسیسم و متقابلاً لیبرالیسم و کاپیتالیسم و مانند این‌ها بوده باشد که با ظهور و بروز بحران‌ها و بحران‌زایی‌ها و بحران‌فزایی‌های آن‌ها، از صحنه خارج می‌شوند؟ همان سان که هم‌اکنون این جریان‌ها، به فروپاشی چپ، و به گرفتاری تا سر حد بن بست راست کشیده شده است، در چالش نهیلیسم و پوچ‌انگاری یا چشم‌انداز یا استبداد جهانی و یا آنارشی و هرج و مرج جهانی، منجر شده و می‌شود. شکست و انسدادی تا بدان‌جا که دیگر هیچ فرد یا گروه صاحب نظریه یا مدعی عملی، معتقد نبوده و مردم نیز بدان‌ها امید نداشته باشند که آن‌ها قادر به تأسیس نظام و دولت جهانی، با تضمین وحدت، امنیت، اثبات، عدالت توأمان با آزادی هستند و می‌توانند توسعه متعادل و متعالی جهانی را بدون کم‌ترین تبعیض، ناسازواری، نارسایی و ناروایی، تأمین کنند).

ب. آسیب‌شناسی و آسیب‌های جهانی پیشا مهدوی در رهیافت و گفتمان روایی

مقصود از روایت، سنت معصومان علیهم‌السلام و اعم از سنت قولی، تقریری و عملی آن بزرگواران است. خواه شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حتی دیگر انبیای پیشین الاهی و به ویژه دانیال نبی حضرت عیسی علیه‌السلام، که دارای نصوص و گفته‌های مفصل‌تر، مشخص‌تر و جامع‌تری در زمینه پیش‌گویی مهدویت و از جمله انتظار و به ویژه آسیب‌های موعود نگری و هدایت، مهدویت و مهدی‌گرایی عمومی و موعود در دوران پیشامهدوی هستند. در روایات اسلامی، به طور گسترده به تفسیر و تبیین نظر مبانی و مفاهیم مهدوی و آسیب‌های آن پرداخته‌اند و در مقام تطبیق عینی و عملی، مصادیق کلی یا بارز آن را به گونه‌ای کاملاً مبسوط و مشروح نشان داده و باز کرده‌اند تا جایی که می‌توان ادعا کرد نظریه نظام راهبردی مهدویت و از جمله آسیب‌شناسی و آسیب‌های آن را به صورت مفصل و کامل و چه بسا با نشانه‌های عینی در اختیار داریم. روایت «یملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً».*

* برترین شاخصه‌های دوران پیشا مهدوی در رهیافت روایی یکی، ظلم در مقابل قسط و به معنای عدم قسط، و دیگری جور در مقابل عدل و به معنای ضلّ عدل است. این دو شاخصه با ضلالت و مغضوبیت یا فساد و فسق در

از حیث کمی، بیش‌ترین سهم را میان روایات اسلامی در زمینه مهدویت به خود اختصاص می‌دهد. بدین ترتیب به نظر می‌آید در قرائت روایی، ظلم و جور، برترین، بیش‌ترین و فراگیرترین آسیب‌های دوران غیبت در فرایند موعود نگری و مهدویت‌گرایی بوده؛ چنان که قسط و عدل، به صورت جایگزین آن‌ها، برترین هنجارها در جهان‌گرایی مهدوی شمرده می‌شوند. دیگر آسیب‌ها و نابهنجاری‌ها یا علل، عوامل، زمینه‌ها و شرایط این آسیب‌های دوگانه بوده یا اجزا، نشانه‌ها، نمودها و نیز آثار و پیامدهای آن دو به شمار می‌روند. بدین ترتیب یکی جور به معنای ستم و تعدی و نیز سلطه و زورگویی در جهان پیشامهدوی را می‌توان برترین شاخصه جهانی سازی امریکایی امروزین دانست؛ چنان که دیگری یعنی ظلم به نفس و به ساحت متعالی انسان، هستی، زندگی و سیاست به معنای فساد، تباهی، گمراهی و عدم عدالت و اعتدال و عدم رعایت توازن و تناسب میان ساحات مادی و معنوی را برترین شاخصه جهانی شدن اقتصادی قلمداد کرد؛ چرا که تعلل و عدم رعایت حدود و ساحت الهی انسان، اولویت، بهای بیش از اندازه به جهت مادی و اصالت مادی، اقتصادی و جسمانی یا همان ماتریالیسم، یوتیلیتاریانیسم یا منفعت‌خواهی و سود و سوداطلبی و هدونیسیم یا لذت‌جویی مدرنیستی و لیبرالیستی در این راهبرد، همچنین سکولاریسم و لائیسیم یا جدایی دین از سیاست و سیاست‌زدگی دنیایی و مادی‌گرایانه ناشی از آن، مهم‌ترین مواردی بوده که جهانی شدن اقتصادی مدعی و مروج آن است یا این‌ها از استلزامات و نیز عواقب آن به شمار می‌روند. جهت مثبت و قابل استفاده رهیافت جهانی شدن اقتصاد، همان توسعه ابزاری و اقتصادی است. حال این که جهت قابل توجه رهیافت جهانی سازی، در صورت امکان، زیر ساخت سخت افزانه و شبکه جهانی آن ممکن است باشد.

ج. آسیب‌شناسی و آسیب‌های جهانی پیشامهدوی در رهیافت علمی سیاسی

آسیب‌شناسی و آسیب‌های جهانی پیشامهدوی، در رهیافت علمی و نظری بر اساس، در جهت و در حد توجه و تکمیل علمی پدیده مهدویت و آسیب‌های آن و نمودن ساز و

رهیافت قرآنی متناظرند. یکی - توسعه تک‌ساحتی و دیگری توسعه تنازعی، در گفتمان سیاسی به ویژه معاصر نیز چه بسا با این دو زوج پدیده‌ها، مفاهیم و واژگانی متناظر باشند.

کارها و روش‌ها یا راهبردهای عملی، عینی و تحقق واقعی و خارجی آن‌ها است. رهیافت علمی مهدویت پژوهی و آسیب‌شناسی و آسیب‌های جهانی پیشامهدوی، خود ممکن است با راهبردهای فلسفی سیاسی خواه نظری و عملی صورت گیرد یا با راهبرد فقهی سیاسی و در حد تبیین احکام و حدود حقوقی و وظایف و تکالیف همگانی نیروها و نهادهای مدنی، مردمی و سیاسی انجام پذیرد. همچنین امکان دارد با راهبرد علمی به معنای خاص، یعنی علمی تجربی و تجربی علمی سیاسی عملی شود؛ به ویژه این فرایند خواه در حد علمی - انسانی - سیاسی یا در حد علمی - اجتماعی - سیاسی قابل تحقیق و بررسی است. فرایند جهانی شدن اقتصادی، فرابرد جهانی سازی امریکایی و فراشد جهانی گرایی مهدوی، همچنین با راهبرد سیاست‌گذاری عمومی نیز قابل تحقیق و قابل ترسیم است. رهیافت علمی سیاسی مهدویت و آسیب‌شناسی و آسیب‌های جهانی پیشامهدوی، به ویژه در حوزه اندیشگی فیلسوفان، فیلسوفان سیاسی، فیلسوفان تاریخ و تمدن، برجستگی خاصی دارد. تاین بی، ویل دورانت، سوروکین، یاسپرس و حتی مارکس در غرب مدرن با نوعی تاریخ‌نگری و تاریخ‌گرایی و از آن فراتر با نوعی آینده‌نگری و موعودگرایی، بدین مهم توجه کرده‌اند (یاسپرس، ۱۳۶۴).

برخی همانند شوپنهاور، اشپنگلر و نیچه که با گونه‌ای بدبینی به حال و آینده جهان به ویژه غرب مدرنیستی و مدرنیسم غربی اعم از شاخه سوسیالیستی و کمونیستی یا شاخه لیبرالیستی و کاپیتالیستی آن پرداخته‌اند (شوپنهاور،)، از سویی و جریان‌اتی همچون هستی‌شناسی و اگزستانسیالیسم کی یرکگارد، پدیدارشناسی هوسرلی، بودشناسی معناکاوانه هایدگری، به گونه‌ای دیگر و به صورت نسبی، ضمن شک و انتقاد به بنیادها و باورهای مدرنیسم، به منظور پی‌جست راه‌هایی، به دنبال نظریه‌های راهگشایی به گمان خویش بوده‌اند. (داوری، ۱۳۷۸). هر چند جریان غالب این راهبرد در غرب، به پسامدرنیسم فوکویبی و به پوچ‌انگاری نهیلیستی مدرن در غلته و خود مزید بر درد و بر علت شده‌اند (ورنو، ۱۳۷۲)؛ اما برخی سرشاخه‌های آن‌ها از قبیل لئواشتراس و به ویژه هانری کربن فرانسوی و برخی سنت‌گرایان معاصر همچون شووان، رنه گنون و حتی سید حسین نصر، با گرایش اسلامی، شیعی و ولایی، تا حد مهدویت راستین و موعود فرا رفته‌اند (رنه گنون، ۱۳۶۵).

حکیم فارابی، خواجه نصیر، آیت الله نائینی، حضرت امام خمینی^ع و در این جهت علامه مطهری، دارای آرای جامع و راهگشایی در زمینه آسیب‌های مهدویت نگری و مهدویت‌گرایی در زمان غیبت و انتظار هستند. اینان در نظریه خویش، هر یک به گونه‌ای و از زاویه‌ای خاص به تشریح این آسیب‌ها اعم از تحریف و انحراف‌ها و یا موانع و شبهات و ضدیت‌ها و اضرار مهدویت راستین می‌پردازند؛ خواه در سطح و گستره ملی و به اصطلاح مدنی و خواه در سطح و گستره جهانی و به اصطلاح مدینه عظمی یا جامعه جهانی در تعبیر فارابی و خواجه نصیر(فارابی، ۱۳۵۸: ص ۱۳۶). مدن جاهله ضاله در تعبیر و نظریه فارابی، به ویژه در مراحل مدن ضروریه، بداله و خست یا ثروت اندوزی و سرمایه داری رفاه و لذت طلبانه و جهان‌گستر، همگن جهانی شدن اقتصادی در حال حاضر شمرده می‌شوند و مراحل شکل‌گیری آن را برمی‌نمایانند؛ چنان که مدن جاهله فاسقه به ویژه در مراحل مدن کرامیه، تغلیبه سلطه و استکبار طلبی و جهان‌گیری و نیز مدن جماعیه یا جهان‌خواری فرا استکباری و سرمایه سالارانه، همگون جهانی سازی امریکایی کنونی به نظر می‌آید.

مهم‌ترین مواردی که خواجه نصیر، در کتاب **اخلاق ناصری** خویش، از سوی به تشریح آن‌ها می‌پردازد و از دیگر سوی، انواع سیاست‌های سه‌گانه اعم از یکی، سیاست امامت و هدایت، دیگری سیاست ناقصه به سان سیاست و توسعه تک‌ساحتی و صرفاً اقتصادی جهانی شدن، و سوم، سیاست سلطه‌گرانه و سیطره‌گرایانه جهانی‌سازی نوع امریکایی را ترسیم و روشن می‌سازد. امام خمینی^ع نیز با ترسیم و ارائه تقسیم‌های سه‌گانه سیاست، آن‌ها را شامل سیاست انسانی یا الهی و اسلامی، سیاست حیوانی یا مادی، اقتصادی و طبیعی و سرانجام سیاست شیطانی یا ضد انسانی، ضد اسلامی و ضد الهی می‌خواند؛ سیاست‌ها و سامانه‌هایی که به ترتیب بر سیاست مهدویت و هدایت راستین، سیاست جهانی شدن اقتصادی و سیاست جهانی سازی امریکایی قابل تسری و تعمیم بوده و قابل تطبیق هستند. آیت الله نائینی نیز در کتاب **تنبیه الامه و تنزیه الملة** خویش در قبال نظریات و نظامات ناقصه و نامشروع، ملوکی خواه سرمایه دارانه یا سرمایه سالارانه که در آن رابطه حاکم، دولت و کانون‌های قدرت با مردم و ملت‌ها، به

سان رابطه مالک و سرمایه داران با ملک و مایملک و مملوک زر خرید خویش است، از طرفی نظریه و نظام نهایی و کامل مهدوی را مطرح ساخته، از دیگر سو و در دوران غیبت و انتظار، ضرورت نظریه و نظام قدر متیقن و قدر مقدور اسلامی را به میان می‌کشد. در نگاه وی، به تناسب میزان فهم و به میزان توان، امکانات و مقتضیات، لازم است، حکومت و نظام قانونی، اسلامی و عادلانه، اجرا شود. معنای آن این است که ضمن اعلام هرگونه سیاست‌گرایی و جهان‌گرایی غیر اسلامی و ضد اسلامی که به گرایش‌های غیر الهی و ضد الهی و انسانی و نامشروع، معتقد و مدعای سیاست‌گرایی و به تبع آن جهانی‌گرایی نسبی و به تناسب توان علمی و عملی در زمان غیبت و انتظار است، او آن را زمینه ساز مهدویت و جهان‌گرایی نهایی، کامل و نیز جهانی سازی حقیقی و یقینی مهدوی می‌داند.

وی بدین ترتیب هرگونه تعلل و سستی یا نارسایی و کاستی و به ویژه مخالفت و ناسازواری با این فرآیند هدایت، اسلامیت، ولایت، مشروعیت و در یک کلام مهدویت را بدترین آسیب‌ها و نابهنجاری‌ها می‌خواند. آسیب‌هایی که به گمان وی، ناشی از عدم درک و اجرای درست اسلام، جهل، اعم از نادانی و به ویژه ناآگاهی مسلمانان و حتی رهبران آنان به حقوق، رسالت و نیز ارزش و نقش خویش دانسته، آسیب‌های استبداد و خودکامگی سیاسی دولت و دولتمردان را از یک سو و عافیت‌طلبی رهبران مردمی و توده‌های مردم را از دیگر سو، ناشی از آن‌ها تلقی می‌کند. آسیب‌هایی که مسبب فقر، فساد، فحشا، تبعیض، تفرقه، تنازع و عقب ماندگی مسلمانان و به ویژه شیعیان در آن زمان شمرده می‌شدند؛ بنابراین در این نگاه، همان گونه که هم استبداد و هم تک‌ساحتی بودن سیاست در گستره داخلی پذیرفته نمی‌شود، با همین قیاس و در همین جهت، جهانی‌سازی تک‌قطبی و سلطه‌طلبانه و نیز جهانی شدن تک‌ساحتی و رفاه‌طلبانه را بر نمی‌تابد. در عین حال، سیاست‌گرایی و بر همین اساس، جهانی‌گرایی مهدوی هر چند به صورت نسبی، به تناسب قدر متیقن و قدر مقدور، مورد توجه وی بوده و به صورت زمینه ساز آمادگی پویا و انقلابی و انتظار مثبت، فعال و سازنده، مورد تأکید وی تا حضرت امام علیه السلام و علامه مطهری است.*

* برای مطالعه تفصیلی آسیب شناسانه جهانی معاصر، علاقه‌مندان را به پژوهش و نگارش این جانب تحت عنوان

برآمد

فرایند جهانی شدن اقتصادی، فرابرد جهانی سازی امریکایی، از حیث ظاهری و صرفاً در حد نگرش جهانی و گرایش به ساختار و شکل جهانی، شبیه به فراشد جهانی گرای مهدوی و مهدویت نگری و مهدویت گرای جهانی هستند؛ اما در حقیقت، ضد آن بوده؛ بلکه هر دو، مهم‌ترین آسیب‌های دوگانه مهدویت گرای جهانی راستین و جهانی گرای درستین مهدوی و مهدویت به شمار می‌روند.

۱۷۳

آسیب

آسیب‌شناسی جهانی شدن و جهانی سازی با مدل جهانی گرای مهدویت

به تعبیری دیگر، جهانی شدن شبه جهانی گرای بوده و جهانی سازی، ضد جهانی گرای به شمار می‌آید. جهانی شدن به سبب تک ساحتی صرفاً مادی، در پی تحقق و تأمین سرمایه‌داری جهانی بوده؛ بدین سبب، عامل تحریف و انحراف و مانع جهانی گرای مهدویت است و جهانی سازی نیز به سبب تک قطبی گرای، یک جانبه گری نظامی و مداخله جویانه هژمونیک، سلطه طلبانه و سیطره جویانه امریکایی، ضد جهانی گرای مهدویت بوده و عامل تخریب، تضعیف و سرکوب جهانی گرای مهدویت خواهد بود.* در مقابل، جهانی گرای مهدویت و مهدویت گرای جهانی، با نقد

آسیب شناسی سیاسی و اجتماعی مهدویت که به سفارش مؤسسه انتظار نور دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم انجام و اخیراً گزارش نهایی آن ارائه شده است ارجاع می‌دهم. این اثر به رغم برخی کاستی‌ها، هم از حیث روش آینده پژوهی، مهدویت پژوهی و آسیب شناسی سیاسی و اجتماعی، به ویژه در زمینه مهدویت و هم از حیث رهیافت‌های سه گانه قرآنی، روایی و علمی - سیاسی و تبیین هر یک از آن‌ها، جایگاه و روابط آن‌ها در مهدویت پژوهی و آسیب شناسی آن، حائز کمال اهمیت است. این مدل مطالعه و تحقیق می‌تواند از جمله در بررسی، ارزشیابی و نقادی جهانی شدن، جهانی سازی و جهانی گرای، کارساز باشد.

* امریکا دغدغه و حتی داعیه جهانی سازی تک قطبی با یکه تازی مورد نظر خویش و تمام ابزار، سخت‌افزاری لازم و حتی نرم افزاری کافی و نیز غالب عوامل مناسب در بخش فن‌آوری، صنعتی، علمی و اقتصادی و به ویژه در زمینه ارتباطات، اطلاعات با پشتوانه به ظاهر قوی نظامی و سیاسی و حتی رسانه‌ای آن را در اختیار دارد؛ اما به سبب فقدان نظریه راهبردی لازم، ضعف روحیه و اعتماد به نفس مناسب و به خصوص ناستواری عزم و اراده ملی و جهانی نمی‌توان توفیقات مستدام و اطمینان بخش در خوری را در دهه‌های آینده در جهان سازی برای آن متصور بود.

بی‌اندیشگی فلسفی سیاسی و بی‌ارادگی سیاسی بایسته و شایسته امریکا در این چالش سنگین و سترگ و در این کشاکش تاریخی و سرنوشت ساز جهانی گرای، نماد پیری و فرتوتی روز افزون و پارکینسون سیاسی و حتی ایدز مدنی و سرطان بدخیم تمدنی آن دولت، نظام سیاسی و قدرت برتر جهانی در حال حاضر است؛ بیماری

درست مدرنیسم، اعم از شعبه سوسیالیستی، کمونیستی و مارکسیستی آن و نیز شعبه لیبرالیستی، کاپیتالیستی و اندیودالیستی آن و با نفی نارسایی و خلا معنویت داخلی و نیز ناسازواری و هژمونی امپریالیستی و استکباری سلطه گرانه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خارجی ذاتی و ضمیری هردوی آنها، روشن و روشنگرتر خواهد بود. در این صورت و با این الگو، به ویژه با نقادی بهینه جهانی شدن اقتصاد و فرایند آن از یک سو و جهانی سازی امریکایی و فرابرد آن از دیگر سو می توان اولاً به بهره برداری از فرصت های جهانی، به ویژه در بخش سخت افزاری و نیز نرم افزاری توسعه جهانی به خصوص در زمینه های ارتباطات، اطلاعات و تبادلات پرداخت و در عوض، تهدیدهای تک ساحتی جهانی شدن یا تهدیدهای سلطه جویانه امریکایی را به تعویق انداخت یا به حداقل کاهش داد؛ بلکه آنها را بهانه و فرصتی برای ارتقای کارآمدی و انگیزه ای برای تجدید، مهندسی مجدد، تقویت و ارتقای هویت، همبستگی و بهره وری ایرانی و بین المللی اسلامی خویش تلقی کرد و قرار داد.

ثانیاً با عنایت به بحران تا حد بن بست خلا معنویت نهیلیسم معرفتی از سویی و بی عدالتی و تبعیض و تروریسم یا ناامنی و بی ثباتی و وحشت ناشی از آن از سویی دیگر می توان با تبیین هر چه بهینه تر نظریه و نظام کامل و کارآمد نهایی مهدوی و جهانی گرایی آن، به صورت چشم انداز و نیز با ترسیم و تحقق هر چه فراتر نظریه و نظام قدر متیقن و قدر مقدور اسلامی، انسانی و مهدوی در دوران غیبت به صورت زمینه ساز انتظار و

هایی که سبب لرزش و فراموشکاری تاریخی ناشی از غرور توفیقات تکنولوژیک و قدرت، آسیب پذیری شدید و ضعف سیستم ایمنی و اقتدار جهانی و حتی داخلی و فروپاشی محتوم فراروی این ابر قدرت جهانی شده است؛ آن هم به رغم شکوه و جلال و جبروت ظاهری و برخلاف بسیاری قدرت نمایی های ظاهری، تبلیغاتی و جنگ روانی و به اصطلاح برعکس مانور قدرت و اقتدار آن؛ اگر چه امریکا، دن کیشوت وار، خود را هنوز شوالیه ای جوان و جدی در این کارزار تاریخی و معركة جهانی پنداشته و نشان می دهد. بنابراین حاضر نیست جای خود را به ملت - دولت ها و گروه های مدنی جدید و جان دار بدهد یا دیگران را در رأس هرم قدرت و در حقیقت سلطه هژمونیک جهانی، جز در سلسله مراتب زیرین، سهمیم یا نزدیک سازد. مقاومت و شنا کردن بر خلاف جریان و دترمنیسم تاریخی و جهانی، اگر چه دردسرها و خسارت های چه بسا جبران ناپذیری هم برای جهان و جهانیان و هم برای ابر قدرت امریکا آفریده و ایجاد کرده و می کند، این جریان، محتوم و محکوم به شکست نهایی و جابه جایی به جای قدرت و مدنیت است؛ البته این ضد جریانات، شدت زلزله سیاسی و میزان درجه ریشتر تکانه های آن را تشدید و تعمیق کرده، پردامنه تر خواهد ساخت.

آمادگی فعال، پوینده و انقلابی سازنده، به ویژه با ارتقای هر چه بیش‌تر کارآمدی نظام و دولت جمهوری اسلامی ایران که شاهد عینی و نمونه عملی رهیافت جهان‌گرایی راستین و مهدوی است، راه برون رفت از چالش جهانی را بازیافت و باز نمود؛ راه و راهبردی که در صورت تبیین درست و تحقق عملی هر چه نزدیک‌تر آن به نمونه نظری و اصیل نهایی جهانی‌گرایی مهدویت می‌تواند در مهدویت‌گرایی جهانی، سخت‌کار ساز شود. در این صورت می‌توان از تمام فرصت‌های چالش جهانی، جهانی شدن و جهانی سازی بهره‌مند شد و از تهدیدهای آن‌ها بازداشت و یا کاست؛ بلکه آن‌ها را به فرصت‌های طلایی و بس مغتنمی تبدیل کرد که در تحکیم، تداوم و توسعه و تعالی جمهوری اسلامی کارآمد بوده، در بیداری و همگرایی جهان اسلام و مسلمانان جهان اثربخش باشد و سرانجام در رواج و ترویج جهانی‌گرایی مهدوی ولو به صورت نسبی و نمونه قدر مقدور، کارساز خواهد بود. نمونه‌ای عملی و تحقق پذیر در جایگاه رقیب و جایگزین (آلترناتیو) جهانی شدن به ویژه جهانی سازی که حامیان و پیروان آن‌ها، هر کدام با تمام توان و ابزار در پی اعلام و تثبیت خویش در جایگاه گزینه بی‌رقیب و گزیر ناپذیر جهانی هستند.*

امید که فرهیختگان همواره تیزفهم ایرانی، نواندیشان اسلامی و متفکران اصالت‌گرا و آزاده جهانی، با برخورد راهبردی و نقادانه با این جریان‌های جهانی، پیش از این که جهان کنونی از چالاه مادیت مدرنیسم به چاه ویل نهیلیسم، آنارشسیسم و فاشیسم پسامدرنیستی نفولیرالیستی و نومحافظه کاری سرمایه‌دارانه تا سرمایه‌سالارانه، فرو برده شود، با هم اندیشی و همیاری جهانی، چالش جهانی‌گرایی را به چشم اندازی بس روشن در جهت توسعه اقتصادی، عمرانی و ابزاری، تعادل سیاسی و عدالت اجتماعی و در جهت تعالی فرهنگی، اخلاقی و انسانی الهی و در نتیجه دینی و اسلامی مبدل سازند؛ ان‌شاءالله.

* ساختار آینده جهانی در کشاکش چالش میان جریان‌ها، رهیافت‌ها و راهبردهای سه گانه جهانی‌گرایی مدنی و مهدوی، جهانی شدن اقتصادی و جهانی سازی امریکایی، طی دهه‌های آینده، بیش‌تر به نظر می‌رسد به سان شبکه‌ای جهانی مرکب از عناصر دولت - ملت‌ها، امت - تملن‌ها و گروه‌های مدنی ملی - جهانی و با همکاری متقابل و همه جانبه آن‌ها باشند. در این میان هر چند به ظاهر، مرز سخت افزاری دولت‌ها و نقش کمی و حتی کیفی آن‌ها، در مقایسه با گذشته، کمرنگ‌تر، خط چین و هاشوری می‌شود، نقش راهبردی و نرم افزارانة دولت، از حیث جوهری، تحول و ارتقا خواهد یافت. در این میان، هسته‌های ملت - دولت‌هایی که پیشینه و پشتوانه مناسب و لازم و ظرفیت، داعیه و دغدغه مدنیت داشته و دارای نظریه راهبردی باشند، همچون نظام، دولت و ملت انقلابی مسلمان ایران، در صورت ارتقای کارآمدی ملی، سیاسی و دولت و اصلاح ساختاری و مهندسی مجدد آن، به تناسب می‌توانند نقشی فعال هم در تجدید، باز آوری و تقویت هویت ملی خویش یافته، هم کارکردی اثر گذار و حتی جهت دهنده در جریان‌های جهانی‌گرایی معاصر و فرا روی، ایفا کنند.

منابع و مأخذ

افزون بر قرآن و آثار پربار روایی و تفسیری، منابعی که در این مقاله از آن‌ها استفاده یا بدان‌ها ارجاع داده شده، به ترتیب ذیل است:

۱. اشتراوس، لئو، گراپسی، جوزاف، *تقد نظریه دولت جادید*، تدین، تهران، کویر، ۱۳۷۳ش.
۲. اشتراوس، لئو، *فلسفه سیاسی چیست؟ رجایی*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ش.
۳. توین بن، آرنولد، *تاریخ تمدن*، آژند، تهران، مولی، ۱۳۶۴ش.
۴. *حکمت جاویدان*، گردآوری خندق‌آبادی، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۰ش.
۵. *خردجاویدان*، به کوشش یوسفی فرد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ش.
۶. *خواجه نصیر*، اخلاق ناصری، به کوشش حیدری و مینویی، سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴ش.
۷. *داوری*، رضا و جوزی، *فلسفه و بحران غرب*، تهران، هرمس، ۱۳۷۸ش.
۸. *فارابی*، سیاست مدینه، سجادی، تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۸ش.
۹. —، *آراء اهل مدینه فاضله*، سجادی، دوم تهران، طهوری، ۱۳۶۱ش.
۱۰. —، *احصاء علوم*، خدیو جم، دوم تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۴ش.
۱۱. *گنون*، رنه، *سیطره کمیت و علائم آخر زمان*، کاردان، دوم، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ش.
۱۲. *نائینی*، *تنبیه الامه و تنزیه المله*، به کوشش طالقانی، تهران، سهامی کتاب، بی تا.
۱۳. *ورنو*، روزه و وال، *ژان*، *نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن*، مهدوی ن تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲ش.
۱۴. *هال سل*، *گریس*، *تدارک جنگ بزرگ*، اسلامی، تهران، رسا، ۱۳۷۷ش.
۱۵. *هولاب*، *رابرت*، *یورگن هابرماس*، *تقد در حوزه عمومی*، بشیریه، تهران نی، ۱۳۷۵ش.
۱۶. *هیوبرت*، *دریفوس*، *رابینو*، *پل*، *میشل فوکو*، *فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*، بشیریه، نی، ۱۳۷۶ش.
۱۷. *یاسپرس*، *کارل*، *آغاز و انجام تاریخ*، لطفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴ش.